

آموزش عالی، رویکرد پست مدرنیسم و توسعه خوشه‌های صنعتی^۱

ابراهیم صالحی عمران^۲

فاطمه حسین تبار مرز بالی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۸/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۵/۲۵

نتایج موفقیت‌آمیز استفاده از خوشه‌های صنعتی در کشورهای صنعتی توجه بسیاری از مدیران و برنامه‌ریزان آموزشی و اقتصادی را به خود جلب کرده است. از آنجایی که این رویکرد تحت تأثیر آموزه‌های پست مدرن می‌باشد، آموزه‌های که حتی سیستم‌های آموزشی از جمله نحوه تربیت نیروی انسانی در آموزش عالی را تحت تأثیر قرار داده است، به گونه‌ای که تلاش در جهت اصلاحات برنامه آموزشی و درسی جزو لاینفک سیاست‌گذاران آموزشی است. ویژگی‌های این رویکرد را می‌توان به‌مانند مدل اوربیتالی در نظر گرفت که در هسته آن نفی فراروایت‌ها قرار داشته و بقیه‌ی ویژگی‌ها در اطراف آن بسته به میزان تأثیری که از ویژگی نفی فراروایت خواهند داشت به هسته نزدیک‌اند. دلیل این است که قبلاً^۱ در فیزیک نیوتنی این طور تصور می‌شد که هر اتم ساختاری شبیه یک منظومه شمسی دارد و الکترون‌ها در مدارهای ثابت و مشخصی به دور هسته می‌چرخند؛ اما در نظریه کوانتوم چنین برداشتی را از اتم نداشته و از این دیدگاه الکترون‌ها در یک مدار ثابت و مشخصی حرکت نمی‌کنند بلکه لحظه‌ای در این نقطه و لحظه‌ی دیگر در نقطه‌ی دیگر قرار دارند. به عبارتی مکان الکترون را نمی‌توان پیش‌بینی کرد. البته این پیش‌بینی‌ناپذیری نه تنها در مورد الکترون بلکه در مورد سایر ذرات اتمی صدق می‌کند. لذا در این مقاله تحلیل شده است که در دیدگاه پست مدرن نیز ویژگی نفی فراروایت در مرکز و بقیه ویژگی‌های همانند الکترون‌ها در اطراف هسته قرار دارند و نمی‌توان مکان آن را به طور دقیق

^۱ مقاله برگرفته از پژوهش آزاد می‌باشد.

^۲ استاد گروه علوم تربیتی دانشگاه مازندران.

^۳ کارشناسی ارشد علوم تربیتی.

پیش‌بینی کرد و بسته به شرایط و موقعیت در جامعه ویژگی مکان متفاوتی خواهد داشت. حال با توجه به اهمیت خوشه‌های صنعتی در دنیای صنعتی معاصر به بررسی ارتباط این رویکرد و رشد و گسترش خوشه‌های صنعتی با ویژگی‌های جدید مصرف‌کننده مدرن پرداخته شده است. سرانجام نتیجه گرفته شده است که این ویژگی‌ها بر عرضه و تقاضای کالا و خدمات و به دنبال آن بر عرضه و تقاضای انسانی و حتی نوع مهارت (مهارت‌های خلاقیت، نوآوری، انعطاف‌پذیری، توانای کار تیمی و مهارت حل مسئله) موردنیاز در صنعت برای پاسخ‌گویی به نیازها نیز اثر گذاشته است.

واژگان کلیدی :

آموزش عالی، رویکرد پست مدرن، مدل اریبتالی، مصرف‌کننده پست مدرن، خوشه‌های صنعتی

مقدمه و بیان مسئله:

هر کار و عمل فرد ریشه در فلسفه او دارد. گاهی اوقات این فلسفه برای فرد روشن است و گاهی اوقات افراد از فلسفه خود آگاه نیستند. در هر کشوری نیز هر اقدام و هر عمل ریشه در فلسفه حاکم بر آن کشور دارد. فلسفه‌ای که متعلق به افراد آن جامعه می‌باشد. نیمه دوم قرن بیستم نشان دهنده اندیشه‌ی متفکرانی است که می‌پنداشتند مکتب‌ها و دستگاه‌های فلسفی مدرن و کلاسیک پاسخگوی انسان امروزی نیست (گریجسون ۲۰۰۴) و پست مدرن عصیان اندیشه این متفکران بود. این تغییر در فلسفه نشان‌دهنده‌ی تحول در ابعاد مختلف زندگی انسان بوده است به گونه‌ای که تغییر و تحول در نگرش بر چگونگی جایابی صنایع و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی صنعتی در کنار رقابت‌پذیری بین‌المللی منجر به شکل‌گیری نگرش خوشه‌ای شده است. پست مدرنیسم تحولات زیادی را در بخش‌های مختلف فرهنگ، فناوری، اقتصاد، صنعت، هنر و دیگر حوزه‌ها به ارمغان آورده است. یکی از این زمینه‌ها صنعت می‌باشد. پست مدرنیسم رویکرد نوینی است که کاربرد عملی و حرفه‌ای زیادی در اروپا و آمریکا پیدا کرده است، بطوریکه که بین این رویکرد فلسفی و ایجاد و تشکیل خوشه‌های صنعتی در کشورهای توسعه‌یافته و موفقیت آن‌ها ارتباط تنگاتنگی وجود داشته است. آموزه‌های که اندیشه و افکار جهانیان به خصوص غربیان که مصرف‌کننده کالا و خدمات می‌باشند را تحت تأثیر قرار داده است. شاید ویژگی‌های خاص مصرف‌کننده کالا و خدمات کشورهای صنعتی سبب شده است، که صنایع را به سمت خوشه‌ای شدن حرکت کنند. در این راه با شناخت مضامین و ویژگی پست مدرنیسم و انسان پست مدرن به عنوان مصرف‌کننده کالا و خدمات و نیز شناخت ویژگی‌های خوشه‌های صنعتی به ما در شناخت و ارتباط بین این دو یاری می‌رساند، و به دنبال آن مفهوم تازه‌ای از مهارت برای آماده‌سازی افراد از جانب آموزش عالی در کشورهای صنعتی برای اشتغال مطرح می‌سازد. بررسی ارتباط بین آموزش عالی، ویژگی مصرف‌کننده پست مدرن (که این ویژگی متأثر از رویکرد پست مدرن در کشورهای صنعتی می‌باشد) و توسعه خوشه‌های صنعتی هدف اساسی این بررسی می‌باشد. لذا روش‌شناسی این تحقیق از نوع تحلیلی است، که با شناخت ویژگی‌های پست مدرن و ارتباط آن با خوشه‌های صنعتی و تربیت نیروی انسانی در آموزش عالی پرداخته شده است.

۱- ویژگی‌های رویکرد پست مدرن:

پست مدرنیسم چالش فکری بود که در اروپا بعد از دوران روشنگری قرن هفدهم پدیدار گشت. هرچند پست مدرنیسم بیشتر در فرانسه و آن‌هم در ارتباط با هنر آغاز گردید. ولی به سرعت به خارج از اروپا و نیز علاوه بر هنر به سایر رشته‌ها و علوم نیز گسترش یافت و اکنون نیز کاربردهای عملی و حرفه‌ای یافته است. این نگرش یک جریان فلسفی، یک نیروی فرهنگی و یک چهارچوب ذهنی است (احمدی، ۱۳۷۰) و در قلمرو مختلفی چون سیاست، فرهنگ، اقتصاد و... به طرح مسائل و مباحث تازه‌ای پرداخته است. برخی پست مدرن را جریانی علیه مدرنیسم می‌دانند و برخی دیگر پست مدرنیسم را به عنوان تداوم و تکمیل مدرنیسم می‌دانند. گروهی دیگر نیز پست مدرنیسم را تلاشی برای یافتن راهی برای خروج از بحران‌هایی می‌شمارند که مدرنیسم به وجود آورده است (نوذری، ۱۳۷۹). بسیاری از صاحب نظران، پست مدرن را شکاکیت به فرا روایت‌ها^۱ توصیف می‌کنند. منظور پست مدرن‌ها از فرا روایت‌ها «همان قصه، داستان و سخنی که فراتر از دیگر داستان‌ها و روایت‌ها می‌باشد داستانی که مدعی جایگاهی عام جهانی یا همه شمول است و قادر به ارزیابی و توجیه و تحلیل تمام دیگر داستان‌ها به منظور آشکار ساختن معنای حقیقی آن‌ها می‌باشد» (نجاریان، پاک سرشت، صفایی مقدم، ۱۳۸۱: ۹۳). لیوتار برای هر فراروایتی چهار ویژگی برشمرده است: «۱- به زمان و مکان خاصی محدود نیست، ۲- مدعی است که متضمن حقیقت برتر است، ۳- منکر تمام تفاوت‌ها و اختلافات است، ۴- مدعی وجود بنیادهایی آشکار برای نظریه‌های علمی است» (نصری، ۱۳۸۵: ۱۱). «کنار گذاشتن فراروایت شاخص‌ترین ویژگی پست مدرنیسم است. اعتقاد به فراروایت ناشی از گرایش به کلیت است ولی پست مدرنیسم کلیت گرایی را سبب پنهان شدن تناقضات، ابهامات و تضادها شمرده است. به عبارتی اصول این رویکرد در شک گرایی آن به نقش محوری محول شده به خرد و اندیشه عقلانی انسان مدرن است» (محمدپور، ۱۳۸۸: ۳۹). در ادامه‌ی توصیف پست مدرنیسم مضامین دیگری که محققان علاوه بر نفی فرا روایت‌ها ذکر کرده اند بیان شده است: ۱- نفی فرا روایت‌ها ۲- عدم اعتقاد به مرجعیت عقل ۳- ناباوری نسبت به اقتدار علم ۴- نقد ایده پیشرفت و غایت گرایی تاریخ ۵- توجه به دیگری ۶- ارج نهادن به تمایز ۷- مخالفت با فرهنگ غالب ۸- حمایت از اقلیت‌ها ۹- حمایت از منطقه‌ای

^۱- Meta Narrative

شدن و محلی گرایی ۱۰- حمایت از فرهنگ عامه ۱۱- اهمیت زبان و عدم اعتقاد به معانی ثابت ۱۲- بررسی نقادانه امور ۱۳- ترغیب به زندگی مصرفی و دنیاگرایی ۱۴- ترویج نسبیّت گرایی افراطی (نجانریان. پاک سرشت. صفایی مقدم. ۱۳۸۱). با دقت و بررسی تمام این ویژگی‌ها می‌توان این طور در نظر گرفت که تمام این مضامین از مضمون اصلی نفی فراروایت‌ها ناشی می‌شود چراکه نفی فراروایت نزد اندیشمندان پست مدرن یعنی گونه‌ای چندآوایی در جامعه فراروی که در آن همه دیدگاه‌ها را می‌توان شنید و موقعیت فرد یا دیگر زمینه‌ها خوب و بد را تعیین می‌کند. پست مدرن فراروایت‌های قرن نوزدهم از قبیل عقل، علم و پیشرفت را مردود شمرده و به جای آن مفاهیمی چون محدودیت، نسبیّت گرایی، سبک‌ها و اهداف متنوع و شک گرایی درباره‌ی پیشرفت و کمال پذیری را جایگزین ساخته است (برگر^۱، ۱۹۸۸)؛ و در واقع به میزان نفی فراروایت‌ها ما دیگر ویژگی‌ها همچون ارج نهادن به تمایزها، توجه به دیگری و... را خواهیم داشت. با این تفاسیر و توضیحات مدلی که برای ویژگی‌های این رویکرد می‌توان در نظر گرفت. همانند مدل اربیتالی برای اتم‌ها است که در هسته آن مفهوم نفی فراروایت‌ها قرار گرفته و در اطراف آن بقیه‌ی ویژگی‌ها قرار می‌گیرند. چون بقیه ویژگی‌ها تحت تأثیر این ویژگی می‌باشند و به نسبت تأثیر بیشتری که از نفی فراروایت می‌گیرند به هسته نزدیک می‌شوند؛ اما چرا محقق ویژگی‌های رویکرد پست مدرن را همانند مدل اربیتالی در نظر گرفته است؟ قبلاً^۲ در فیزیک نیوتنی این طور تصور می‌شد که هر اتم ساختاری شبیه یک منظومه شمسی دارد و الکترون‌ها در مدارهای ثابت و مشخصی به دور هسته می‌چرخند؛ اما در نظریه کوانتوم چنین برداشتی را از اتم نداشته و از این دیدگاه الکترون‌ها در یک مدار ثابت و مشخصی حرکت نمی‌کنند بلکه لحظه‌ای در این نقطه و لحظه‌ی دیگر در نقطه‌ی دیگر قرار دارند. به عبارتی مکان الکترون را نمی‌توان پیش‌بینی کرد. البته این پیش‌بینی‌ناپذیری نه تنها در مورد الکترون بلکه در مورد سایر ذرات اتمی صدق می‌کند. به استنباط محقق در دیدگاه پست مدرن نیز ویژگی نفی فراروایت در مرکز و بقیه ویژگی‌های همانند الکترون‌ها در اطراف هسته قرار دارند و نمی‌توان مکان آن را به طور دقیق پیش‌بینی کرد و بسته به شرایط و موقعیت در جامعه ویژگی مکان متفاوتی خواهد داشت. این نوع ارتباط را می‌توان به وسیله نمودار و مدل اربیتالی زیر ترسیم نمود:

^۱ - Berger

اهمیت زبان و عدم اعتقاد به معانی ثابت

عدم اعتقاد به مرجعیت عقل

ترغیب به زندگی مصرفی و دنیاگرایی

حمایت از فرهنگ عامه

حمایت از منطقی‌های شدن و محلی‌گرایی

ترویج نسبت‌گرایی افراطی

ناباوری نسبت به اقتدار علم

توجه به دیگری

بررسی نقادانه امور

ارج نهادن به تمایز

نقد ایده پیشرفت و غایت‌گرایی تاریخ

حمایت از اقلیت‌ها

مخالفت با فرهنگ غالب

نمودار ۱ ترسیم ویژگی‌های رویکرد پست مدرن (مدل اربیتالی)

البته لازم به توضیح است که دیدگاه پست مدرنیسم به همان میزان که در نگاه فلسفی - اجتماعی خود گسترده است در قسمت‌های مبهم است و در برخی موارد موضع‌گیری‌های افراطی و گاه متناقض و مبهم و در برخی موارد بحران‌های جدیدی ایجاد می‌کنند. یکی از این انتقادات این است که حساسیت‌های پست مدرن باعث شده تا افراد (که مصرف‌کنندگان کالا و خدمات هستند) به جای تأثیرپذیری از ارزش‌های موعود در آینده به زمان حال و تجربیات فعلی توجه کنند. همچنین نسبت‌گرایی افراطی سبب قرار گرفتن انسان در وادی شک و تردید در همه‌ی عرصه‌ها و فاقد ارزش دانستن هر گونه شناخت همراه با یقین شده است به عبارتی بدون هیچ گونه تکیه‌گاه مشخصی، سبب حیرانی و سرگردانی انسان امروزی در هر گونه انتخابی شده است.

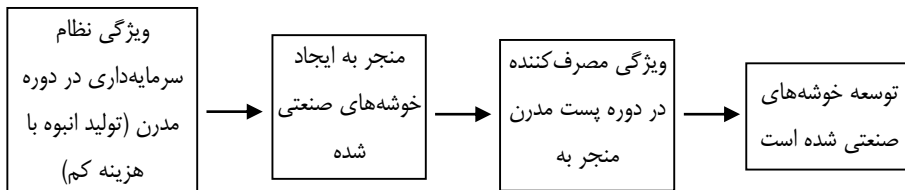
۲- بررسی مفهوم خوشه‌های صنعتی:

ایده خوشه و مفهوم و واژه آن از مفاهیم نو در ادبیات اقتصاد منطقه‌ای و صنعتی به شمار می‌آید. خوشه‌های صنعتی عموماً به عنوان گروهی از بنگاه‌های تجاری و سازمان‌های غیر تجاری تعریف می‌شوند و عنصر کلیدی برای اعضای گروه رقابتی عمل کردن آن‌ها است. آنچه خوشه‌ها را یکپارچه می‌سازد روابط متقابل بنگاه‌های عضو است. ابعاد فضا و زمان نیز از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر سیاست‌گذاری خوشه‌ها هستند که تصمیم در مورد تشکیل و ایجاد و

گسترش خوشه‌ها تحت تأثیر قرار می‌دهند. واقعیت آن است که پشتوانه نظری پدیده خوشه شدن یا تجمع را اولین بار در نظریات آلفرد مارشال^۱ می‌توان یافت. او برای اولین بار در سال ۱۸۹۰ در کتاب خود به نام کلیات اقتصاد هسته‌ی اصلی بحث‌های خوشه‌های صنعتی و تجمع را که همان تمرکز مکانی است، بیان نموده است (زنور و برمکی، ۱۳۹۰) اما از دهه ۱۹۷۰ بحران اقتصادی سبب تغییر رویکرد از تولید انبوه با بنیان‌های تولیدی انعطاف‌ناپذیر به سمت بیرونی کردن فرایند تولید و ارتباط از طریق قراردادهای فرعی با بنگاه‌های کوچک انعطاف‌پذیر و تخصص‌یافته شده است و تولید انعطاف‌پذیر باعث تأکید بر خوشه‌های صنعتی شد به عبارتی تا قبل از دهه ۱۹۷۰ تجمع صنعتی تنها بر روابط عرضه‌کنندگان و مشتریان و خدمات دهندگان وابسته بود ولی بعد از دهه ۱۹۷۰ نیاز به تولید انعطاف‌پذیر سبب شد که به شبکه‌های اطلاعاتی و همکاری، شبکه‌های فرهنگی و اجتماعی و روابط متقابل در بازارهای محلی و روابط غیر رسمی نیز وابسته شود و از دهه ۱۹۹۰ که کلید رشد اقتصادی را دانش و فرایندهای اصلی آن در این راستا که یادگیری است مورد توجه قرار گرفته است و در این ارتباط تجمع صنعتی و رقابت‌پذیری برحسب دانش و یادگیری جمع مطرح شد و به دنبال آن تأکید زیادی بر دانش ضمنی برای نوآوری شد. همه‌ی این امور زمانی اتفاق خواهد افتاد که ارتباط متقابل زیاد باشد لذا نقش بااهمیتی برای تمرکز مکانی برای ایجاد نوآوری در نظر گرفته شد. پورتر نیز در تحلیل خوشه‌های صنعتی بیان داشته که خوشه‌های صنعتی از طریق تقاضای پیچیده و وسیع محلی، صنایع مرتبط و پشتیبان، شرایط عوامل و منابع و شرایط رقابتی همراه با افزایش بهره‌وری پیشرفت می‌کنند (زنور و برمکی، ۱۳۹۰). با توجه به همه‌ی این موارد نکات اصلی در تعاریف خوشه‌ها که توسط افراد بیان شده است شامل موارد زیر می‌باشد: «۱- تمرکز در یک منطقه جغرافیایی، ۲- وجود ارتباط درون بنگاهی و درون صنعتی بین بنگاه‌های عضو، ۳- در طول هم قرار گرفتن بنگاه‌ها در درون خوشه (ارتباطات عمودی)، ۴- وجود سازمان‌های غیرتجاری در کنار بنگاه‌های تجاری در درون یک خوشه، ۵- همکاری بین بنگاه‌ها و انجام اقدامات مشترک و جمعیتی، ۶- وجود رقابت بین اعضا، ۷- هم رشته بودن بنگاه‌ها در یک شاخه یا دسته صنعتی خاص (تشکیل زنجیره ارزش)، ۸- وجود تهدیدها و فرصت‌های مشترک برای بنگاه‌های درون خوشه، ۹- پیدایش خدمات تخصصی فنی مدیریتی و مالی در

^۱ - Alfred marshall

خوشه ۱۰- وابستگی به یک منطقه خاص جغرافیایی اقتصادی ، ۱۱- برهم افزایی رقابت و همکاری در خوشه ۱۲- کارایی جمعی و بهره‌برداری از صرفه‌های اقتصادی بیرونی ، ۱۳- وجود ارتباط درون بنگاهی و درون صنعتی بین بنگاه‌های عضو» (دل انگیزان. ۲۰:۱۳۸۴). از طرفی مزیت‌های خوشه‌های صنعتی را این طور می‌توان برشمرد: «۱- منجر به بسیج منابع مالی و انسانی شده ۲- سرمایه‌گذاری به مراحل کوچک و با ریسک پایین تقسیم می‌شود ۳- باعث رشد و بالندگی شرکت‌های کوچک‌شده ۴- امکان انباشت سرمایه و مهارت را برای یکدیگر به صورت آگاهانه و ناآگاهانه به وجود می‌آورد» (زنور و برمکی. ۹:۱۳۹۰). همه این تعاریف و مزیت‌های خوشه‌های از یک عنصر کلیدی ناشی می‌شود و آن مصرف‌کنندگان می‌باشند. در واقع این ویژگی مصرف‌کنندگان باعث گسترش خوشه‌ها شده است. شاید در ابتدا سرمایه‌داری و تولید انبوه، سرمایه‌گذاران به سمت ایجاد خوشه‌های صنعتی کشانده است ولی ادامه و گسترش آن در کشورهای صنعتی بر اثر ویژگی متفاوت مصرف‌کنندگان بوده است که نمودار شماره ۲ این روند را نشان می‌دهد.



نمودار ۲: روند تغییر نظام سرمایه‌داری با توسعه خوشه‌های صنعتی

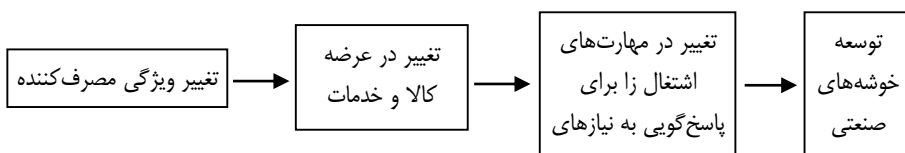
با توجه به نمودار بالا ویژگی مصرف‌کننده می‌تواند هسته مرکزی در تحلیل ایجاد خوشه‌های صنعتی در کشورهای صنعتی باشد چراکه در ابتدا این ویژگی مصرف‌کننده در نظام سرمایه‌داری سبب شده بود که سرمایه‌گذاران به دنبال روشی برای تولید انبوه با هزینه کم باشند و نیز متناسب با توان خرید مصرف‌کننده باشد. هنگامی رویکرد پست مدرنیسم بر اندیشه‌ی افراد غالب شد منجر به تغییر در ویژگی‌های مصرف‌کننده شد. ویژگی مصرف‌کننده پست مدرن بر اقتصاد تأثیر گذاشت به گونه‌ای نقش مصرف‌کننده در تعیین ویژگی و خصوصیت کالا و خدمات افزایش یافته است و این روند با کالایی شدن دانش این فرصت را به مصرف‌کننده‌ی پست مدرن داده که نقش موثرتری در تعیین ویژگی کالای مصرفی خود یا

خدمات موردنیاز خود داشته باشد (فراستخواه، ۱۳۸۸) که این امر بر گسترش خوشه‌های صنعتی تأثیر گذاشته است.

۳- دویژگی مصرف‌کننده در رویکرد پست مدرن:

در اندیشه مدرن می‌توان تولید را شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌های دانست که در طی آن ارزش برای کالا تولید می‌شود و مصرف فعالیت‌هایی را در برمی‌گیرد که این ارزش مورد استفاده قرار می‌گیرد در حالی که در دوره پست مدرن چنین تمایز روشنی که بین تولید و مصرف، تصور می‌شود به چالش کشیده شده است. دیگر مصرف‌کنندگان در انتهای زنجیر ارزش قرار نمی‌گیرند بلکه با تولیدکنندگان در شبکه‌های تولید و انتقال ارزش در تعامل هستند. مصرف‌کننده مدرن به دنبال جمع‌آوری و انبار کالاهای مادی مختلف بوده، ولی مصرف‌کننده پست مدرن کمتر ارزش مادی را در نظر می‌گیرد و بیشتر علاقمند تجربه فعالیت‌ها است. مصرف‌کننده پست مدرن به جای تأثیری پذیری از ارزش‌های موعود در آینده به زمان حال و تجربیات فعلی توجه دارد (فرهنگی. حسنقلی پور. خانلری، ۱۳۸۷). «جامعه‌ی تولید مدرن (مبتنی بر ریاضت‌پیشگی دنیوی به قصد انباشت تولید) روز به روز به سمت جامعه‌ی مصرفی مابعد مدرن حرکت می‌کند و مصرف‌کننده‌ی نهایی با تقاضاها و علامت‌های بازاری و مبادله‌ای به تولید و تبدیل و انتقال دانش تا حدودی فرمان می‌دهد» (فراستخواه، ۲۰۶:۱۳۸۹). «به عبارتی مردم از طریق مصرف دست به کنش معناسازی می‌زنند یعنی همانند مصرف‌کننده‌ی قدیمی منفعل نیستند بلکه به آثار و کالاها معنا می‌دهند و با مصرف در واقع سیاست می‌ورزند هویت می‌سازند و معناهای تازه‌ای بازمی‌تابانند جامعه‌ی پست مدرن مصرف‌گرا با جامعه‌ی مدرن مبتنی بر تولید متفاوت است. در واقع جامعه‌ی پست مدرن امروری جامعه‌ای مصرف‌گرا به معنای مابعد نوگرایی کلمه است و در آن مفهوم مصرف متحول شده و با خود کنش معناداری در بردارد» (فراستخواه، ۱۳۸۹: ۳۴۴) پس می‌توان ویژگی مصرف‌کننده‌ی پست مدرن را این طور در نظر گرفت: ۱- مصرف‌کننده تنها به عنوان موضوعات تحقیق نگاه نمی‌شوند بلکه آن‌ها به عنوان مشارکت‌کنندگانی فعال در نظر گرفته می‌شوند که در طراحی محصولات مصرفی خود درگیر هستند ۲- مصرف‌کننده به زمان حال و تجربیات فعلی توجه دارد ۳ - مصرف‌کننده به سبک زندگی و سیستم اعتقادی خاصی متعهد نیست (ویژگی عمده فرد پست مدرن اجتناب از تعهد است) ۴- افراد از مصرف به عنوان ابزاری برای ایجاد و متناسب‌سازی

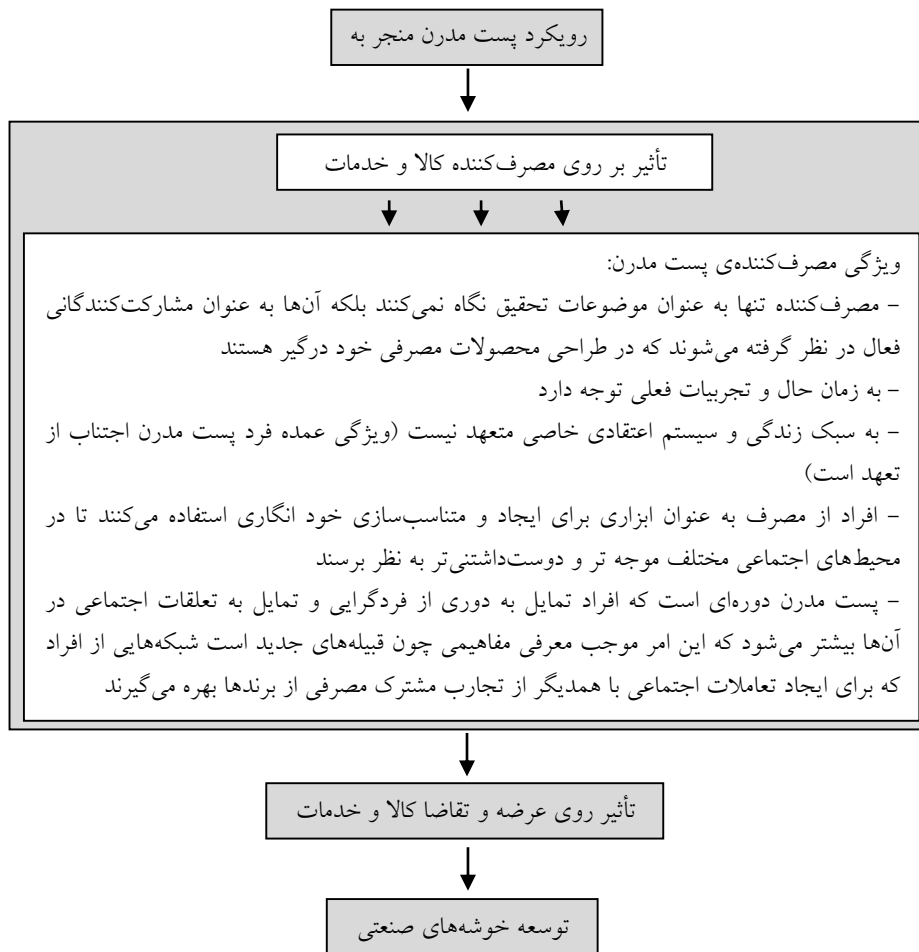
خود انگاری استفاده می‌کنند تا در محیط‌های اجتماعی مختلف موجه تر و دوست‌داشتنی تر به نظر برسند ۵ - پست مدرن دوره‌ای است که افراد تمایل به دوری از فردگرایی و تمایل به تعلقات اجتماعی در آن‌ها بیشتر می‌شود که این امر موجب معرفی مفاهیمی چون قبیله‌های جدید است شبکه‌هایی از افراد که برای ایجاد تعاملات اجتماعی با همدیگر از تجارب مشترک مصرفی از برندها بهره می‌گیرند (فرهنگی. حسنقلی پور. خانلری، ۱۳۸۷). این ویژگی‌ها بر عرضه و تقاضای کالا و خدمات تأثیر گذاشته است؛ که برای پاسخ‌گویی این نیازها نیازمند به مهارت‌های اشتغال‌زای متناسب با آن بوده است که این مهارت‌ها به بهترین نحو در خوشه‌های صنعتی به نتیجه می‌رسند و این امر بر رشد و گسترش خوشه‌های صنعتی به شرح نمودار زیر تأثیر گذاشته است.



نمودار ۳: روند تغییر ویژگی‌های مصرف‌کننده با توسعه خوشه‌های صنعتی

با بررسی همه‌ی این نکات می‌توان تأثیر رویکرد پست مدرنیسم بر توسعه خوشه‌های صنعتی نشان داد.

نمودار شماره ۴ زیر نشان می‌دهد که غالب شدن رویکرد پست مدرن بر اندیشه‌ی افراد منجر به تغییرات در ویژگی‌های مصرف‌کننده‌ی کالا و خدمات می‌شود، به دنبال آن تولید انبوه کالاهای یکدست دیگر پاسخ‌گویی این مصرف‌کننده نخواهد بود؛ در نتیجه خوشه‌های صنعتی با داشتن ویژگی‌های چون «تمرکز جغرافیایی، وجود صنایع و تأمین‌کنندگان پشتیبان، ارتباط و همکاری میان صنایع و برخورداری از صرفه‌های بیرونی» (زنور، برمکی، ۱۳۹۰:۵) به عنوان راهبردی جهت افزایش توان صنعتی و زمینه‌ای برای ایجاد و گسترش نوآوری برای پاسخ‌گویی به نیازهای مصرف‌کننده‌ی پست مدرن هستند.



نمودار ۴: ترسیم رابطه بین رویکرد پست مدرن و توسعه خوشه‌های صنعتی

۴- آموزش عالی و تغییر در مهارت‌های اشتغال در دنیای پست مدرن:

آموزش عالی از نقش و تأثیرگذاری اقتصادی مهمی برخوردار است؛ زیرا معرف نوع مهمی از سرمایه‌گذاری در منابع انسانی است که با فراهم کردن و ارتقای دانش نگرش‌ها و مهارت‌های موردنیاز کارکنان در زمینه‌های مختلف به توسعه اقتصادی کمک می‌کند (وودهاال، ۱۹۹۲). نقش و اهمیت جایگاه آموزش عالی زمانی آشکارتر می‌شود که برانیم پیش بینی‌ها و برآوردهای علمی تغییرات و پیشرفت‌های سریعی را در حوزه تکنولوژی و به تبع آن در کارکرد نهاد اقتصادی

جامعه ترسیم می‌کند (عزیزی، ۱۳۸۳). توسعه موفقیت‌آمیز اقتصادی در بسیاری از جوامع توسعه‌یافته به تربیت نیروی انسانی باکیفیت از نظر علمی و فنی و به تعداد لازم وابسته است. به همین دلیل به منظور پاسخگویی به تقاضای بازار کار برای نیروی ماهر و کارآمد همه‌ی کشورها توجه خاصی به مقوله‌ی آموزش عالی داشته‌اند. اصلاحات برنامه آموزشی و درسی در عصر پست مدرنیسم در جامعه صنعتی به منظور پاسخگویی نیازهای واقعی فراگیران در جامعه، مخصوص برای مهارت‌های مربوط به اشتغال در صنعت برای افراد انجام شده است. «در واقع ورود به دنیای پست مدرن شرایط زندگی و مفهوم کار و اشتغال را کاملاً متحول کرده است همه این تحولات زمینه‌ای شد که مفهوم برنامه‌ریزی آموزش و از همه مهم‌تر مهارت‌های قابل اشتغال که ورود افراد را به دنیای کار و اشتغال فراهم می‌سازد تغییر و تحول اساسی پیدا کند» (صالحی عمران، ۱۳۸۸:۳). مهارت‌های اشتغال‌زا را می‌توان دانش، بینش، نگرش و مهارت‌هایی دانست که موجب تحرک و پویایی افراد در روابط با دیگران، انتقال موفق از شغلی به شغل دیگر و حضور مؤثر در فعالیت‌های گروهی و نوآوری در حل مسائل می‌شوند (عزیزی، ۱۳۸۳). در بازار کار جهانی شده، سازمان‌دهی کار بر پایه کارگروهی، چرخش شغلی، چندمهارتی بودن و استقلال عملکرد و تفویض اختیارات بیشتر به کارکنان و کاهش سطح مدیریت، تجدید نظر در الگوی تربیت دانشجویان را ضروری ساخته است. براین اساس، الگوهایی که توجه بیشتری برآموزش به شیوه پژوهشگری دارند مورد تأکیدند. در روش‌های جدید برنامه‌ریزی درسی تأکید زیادی بر حل مسأله و مهم‌تر از آن خلق مسأله، طراحی‌های خلاق و توان پردازش اطلاعات می‌شود (مهرعلی‌زاده ۱۳۸۳). در کتاب جامعه کار، مشاغل، صالحی عمران (۱۳۸۸)، از مهارت‌های چهارگانه اشتغال‌زایی نام برده شده که این مهارت‌ها شامل علم چگونگی یادگیری، ارتباطات و مهارت‌های تیمی، کار تیمی و مهارت حل مسئله می‌باشد. «همچنین در زیرساخت برنامه درسی پست مدرن این نوع برنامه باکلیت مخالف بوده، یادگیری را منحصر به انتقال دانش نمی‌داند، برنامه درسی میان‌رشته‌ای است و تنها ملاک برتری را توجه به تفاوت، تنوع، ابهام و دیگری می‌داند» (برمی پور. بختیار نصرآبادی. هاشمی، ۱۳۸۹:۵۷) و «پرورش تفکر انتقادی را در بستر خلاقیت و باروری علمی مورد توجه قرار می‌دهند» (همان منبع: ۵۸). همه این تغییرات به خصوص در آموزش عالی در راستای پاسخگویی نیازها با توجه به شرایط و ویژگی‌های جدید کشورهای صنعتی انجام شده است و ایجاد هرگونه ارتباط بین آموزش عالی و اشتغال در این

کشورها طلب می‌کند، در برنامه‌های آموزشی و درسی آن تغییرات صورت گیرد. از آنجاکه آموزش عالی یکی از مهم‌ترین سرمایه‌گذاری‌ها در منابع انسانی است؛ زیرا با ارتقای دانش، نگرش و مهارت‌های افراد به توسعه اقتصادی جوامع کمک می‌کند به خصوص رویکردهای جهانی آموزش در دهه‌های اخیر نیز موید همین مطلب است. برای مثال، همه توصیه‌نامه‌های اجلاس‌های یونسکو اغلب بر رسالت مؤسسات آموزشی از ابتدایی تا عالی در جهت آماده‌سازی فرد جهت احراز شغل مناسب تاکید داشته‌اند (مثلاً اجلاس ۱۹۷۴ پاریس، ۱۹۸۶ ژنو، ۱۹۸۹ ژنو - به نقل از نفیسی ۱۳۷۷).

در ادامه به بررسی تحلیل چگونگی ارتباط بین رویکرد پست مدرنیسم و ویژگی‌های آن بر مصرف‌کننده‌ی کالا و خدمات و به دنبال آن تأثیر بر توسعه و گسترش خوشه‌های صنعتی و مرتبط بودن با آموزش عالی پرداخته شده است.

به‌هرحال، همانطوریکه توضیح داده شد در رویکرد پست مدرنیسم ویژگی نفی فراروایت به عنوان هسته مرکزی این رویکرد در نظر گرفته شد و بقیه ویژگی‌ها به هر میزان که از این ویژگی اصلی بهره‌مند باشند در جامعه و بر روی افراد جامعه خود را نشان می‌دهد. با توجه به این که افراد یک جامعه مصرف‌کنندگان کالا و خدمات و نیز طرف تقاضای برای کالا و خدمات هستند، دارا بودن ویژگی‌های رویکرد پست مدرن که هر یک متأثر از ویژگی نفی فراروایت می‌باشند منجر به توسعه اقتصاد و صنعت در این جوامع شده است.

اعتقاد به نفی فراروایت‌ها ویژگی مهم و اصلی در رویکرد پست مدرن به حساب می‌آید. این اعتقاد در افراد منجر به ویژگی چون ارج نهادن به تمایزات می‌شود. طرفداران پست مدرن بر این باورند که میان انسان‌ها از لحاظ شرایط ظاهری، اجتماعی، اعتقادی و اقتصادی تفاوت وجود دارد و در نتیجه باید به تمایز میان آن‌ها ارج نهاد و لازمه احترام به تمایز، آزادی عقیده و عمل انسان‌هاست چیزی که دقیقاً یک مصرف‌کننده پست مدرن دارا است آزادی در انتخاب کالاها و خدمات. همین آزادی در انتخاب سبب شده که صنایع برای حفظ و بقای خود به دنبال نظرات مشتریان خود باشند؛ و در نتیجه نیازمند ارتباط بین بنگاه‌ها در طول و عرض یکدیگر هستند تا کالای موردنیاز مصرف‌کننده تأمین شود. به عبارتی به مصرف‌کننده تنها به عنوان موضوعات تحقیق نگاه نشوند بلکه به عنوان مشارکت‌کنندگان فعال در تولید کالاها مصرفی خود باشند در نتیجه مانع از تولید انبوه و یکدست کالا شده است و کارخانه‌های بزرگ جای خود را به

کارگاه‌های کوچک صنعتی داده‌اند که برای رشد و بقا نیازمند تمرکز مکانی هستند و صنایع برای تولید کالای مصرفی مشتریان خود نیازمند کار تیمی، خلاقیت و حل مسئله خواهد بود تا نیازهای مشتریان را در سریع‌ترین زمان درک کرده و به طور مناسب به آن پاسخ دهند؛ و آموزش عالی در تربیت این افراد با این ویژگی‌ها که شامل کار تیمی، خلاقیت و حل مسئله است می‌تواند نقش موثری داشته باشد (دل انگیزان، ۱۳۸۴)

در واقع مفهوم فرا واقعیت صراحتاً "مفاهیم ساختارگرایانه دوره‌ی مدرن را در مورد واقعیت و حقیقت مورد سؤال قرار می‌دهد. در مدرنیته تصور بر این بود که واقعیت خارج و مستقل از کنش‌ها و تعاملات انسانی است و واقعیت منحصربه‌فرد جهانی که در بین همه افراد مشترک است وجود دارد و نیازهای بشری از ساختار ماهیت و واقعیت شکل گرفته است و صنایع بر همین اساس به تولید کالا یا خدمت می‌پردازند در نتیجه رقابت در صنایع تنها براساس نیازهای مصرف‌کننده می‌باشد اما پست مدرن بیان می‌کنند که واقعیت و حقیقت در مورد نیازها ساختگی می‌باشد و صنایع به دنبال توانمندسازی مشتری برای ایجاد شیوه‌های مناسب سازماندهی برای تجربه مطلوب زندگی می‌باشد تا بتواند معنا و مادیات زندگی خود را بهبود و ارتقا ببخشد به عبارتی ساختار ذهن و امیال فرد در تولید کالا و ارائه خدمت تأثیرگذار هستند و همین امر باعث ایجاد فرصت‌ها برای صنایع و گسترش و توسعه آن‌ها می‌باشد. این ویژگی مصرف‌کننده است که بر بازار و صنایع تأثیر گذاشته است. با قبول نفی فراروایتها یعنی هیچ ایده و کلیتی از قبل وجود ندارد به عبارتی تولیدکنندگان کالاها هیچ ایده و کلیتی را از قبل در مورد تولید کالا نداشته و وجود ویژگی چون فرصت‌های مشترک و تهدیدها برای بنگاه‌های درون خوشه بیان‌کننده قبول و پذیرا بودن ایده‌های جدید برای مقابله با تهدیدها و استفاده از موقعیت‌ها و منابع برای ایجاد و حفظ و توسعه خوشه‌ها می‌باشد و رشد و پرورش این ایده‌ها با تغییر برنامه درسی و اصلاحات انجام‌شده مهیا شده است. به عبارتی با تغییر در مهارت‌های دانش‌آموختگان نظام دانشگاهی از جمله آموزش عالی این مهم تحقق یافته است چراکه آموزش عالی از نقش و تأثیرگذاری اقتصادی مهمی برخوردار است. با توجه به اینکه همه توصیه‌نامه‌های اجلاس‌های یونسکو اغلب بر رسالت مؤسسات آموزشی از ابتدایی تا عالی در جهت آماده‌سازی فرد جهت احراز شغل مناسب تاکید داشته‌اند (مثلاً اجلاس ۱۹۷۴ پاریس، ۱۹۸۶ ژنو، ۱۹۸۹ ژنو - به نقل از نفیسی ۱۳۷۷).

نتیجه گیری:

«امروزه بهره‌گیری از خوشه‌های صنعتی به عنوان یکی از مهم‌ترین و موفق‌ترین رویکردهای توسعه صنعتی و منطقه‌ای شناخته شده است که مدنظر بسیاری از سیاست‌گزاران کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه قرار گرفته است» (سالازر زهی، دژکام، ۱۳۹۱: ۱۱۶). واقعیت آن است که در دهه‌های اخیر خوشه‌های صنعتی به عنوان یک راه حل مناسب برای به دست آوردن مزیت‌های رقابتی و افزایش توانمندی صنایع مطرح شده‌اند، به همین دلیل برنامه‌ریزی‌های متعدد آموزشی برای به دست آوردن توسعه صنعتی صورت می‌گیرد و این مسئله اهمیت می‌یابد که چگونه با توجه به ساختار فعلی صنعت کشورهای در حال توسعه استراتژی مناسب برای کسب نوع مهارت موردنیاز و توانمندی لازم برای افراد شناخته می‌شود و در این راستا آموزش عالی از نقش و اهمیت مهمی در تربیت افراد دارا است. این مقاله در ابتدا سعی شده است که بررسی رویکرد پست مدرنیسم علت توجه به خوشه‌های صنعتی بیان شده است. با تأمل مجدد در این نکته که رویکرد غالب در کشورهای صنعتی پست مدرنیسم می‌باشد، بررسی ویژگی‌های این رویکرد نشان داده است که اصلی‌ترین ویژگی آن ویژگی نفی فراروایت می‌باشد. این ویژگی منجر به ایجاد ویژگی‌های چون: عدم اعتقاد به مرجعیت عقل، ناباوری نسبت به اقتدار علم، نقد ایده پیشرفت و غایت‌گرایی تاریخ، توجه به دیگری، ارج نهادن به تمایز، مخالفت با فرهنگ غالب، حمایت از اقلیت‌ها، حمایت از منطقه‌ای شدن و محلی‌گرایی، حمایت از فرهنگ عامه، اهمیت زبان و عدم اعتقاد به معانی ثابت، بررسی نقادانه امور، ترغیب به زندگی مصرفی و دنیاگرایی، ترویج نسبی‌گرایی افراطی در افراد جامعه شده است (برگر^۱، ۱۹۸۸) و همه این‌ها به گونه‌ای متأثر از همان ویژگی نفی فراروایت می‌باشد، یعنی «نفی هر قصه داستان و سخنی که فراتر از دیگر داستان‌ها و روایت‌ها باشد» (نچاریان و همکاران، ۱۳۸۱: ۹۳)، و این نفی هر فراروایت منجر به عدم قطعیت در همه‌ی زمینه‌ها و ایجاد روحیه کثرت‌گرایی و در نظر گرفتن راه حل‌های مختلف می‌شود به همین دلیل مدلی که برای این ویژگی‌ها در نظر گرفته شد، مدل اربیتالی است که در هسته‌ی آن نفی فراروایت قرار دارد و بقیه ویژگی‌ها در اطراف آن قرار می‌گیرند. مصرف‌کنندگان آن جامعه صنعتی تحت تأثیر این ویژگی‌ها می‌باشد، نتیجه‌ی آن بر مصرف کالا و خدمات توسط مصرف‌کنندگان تأثیر گذاشته است، و منجر به ویژگی‌های چون:

مصرف‌کننده تنها به عنوان موضوعات تحقیق نگاه نمی‌شوند، بلکه آن‌ها به عنوان مشارکت‌کنندگانی فعال در نظر گرفته می‌شوند که در طراحی محصولات مصرفی خود درگیر هستند، یعنی مصرف‌کننده آزادی دارد و فقط تولیدکننده نیست که در تولید کالا تصمیم می‌گیرد، تولیدکننده همه‌ی صداها رو باید بشنود و هیچ صدای بر دیگری برتری ندارد تولیدکننده تلاش می‌کند تا نیازهای هر مصرف‌کننده را تأمین کند، مصرف‌کننده به زمان حال و تجربیات فعلی توجه دارد چون از نظر آن‌ها آینده ممکن است از حال بهتر نباشد، پس نیازهای حال برای او مهم‌تر خواهد بود، مصرف‌کننده به سبک زندگی و سیستم اعتقادی خاصی متعهد نیست (ویژگی عمده فرد پست مدرن اجتناب از تعهد است)، و نیز افراد از مصرف به عنوان ابزاری برای ایجاد و متناسب‌سازی خود انگاری استفاده می‌کنند تا در محیط‌های اجتماعی مختلف موجه‌تر و دوست‌داشتنی‌تر به نظر برسند، پست مدرن دوره‌ای است که افراد تمایل به دوری از فردگرایی و تمایل به تعلقات اجتماعی در آن‌ها بیشتر می‌شود (فرهنگی. حسنعلی پور. خاقلری، ۱۳۸۷). این ویژگی‌ها طلب می‌کند که صنعت توان ایجاد و گسترش نوآوری داشته باشد. خوشه‌های صنعتی به عنوان راهبردی جهت افزایش توان صنعتی، سبب کارایی صنایع و پاسخ‌گویی به مشتریان خود دارای اهمیت می‌باشند. هرچند ایجاد خوشه‌های صنعتی ره‌آورد اقتصاد سرمایه‌دارای بوده است. توسعه آن متأثر از رویکرد پست مدرنیسم بوده است چراکه مزیت‌های خوشه‌های صنعتی که شامل: «منجر به بسیج منابع مالی و انسانی شده، سرمایه‌گذاری به مراحل کوچک و با ریسک پایین تقسیم می‌شود، باعث رشد و بالندگی شرکت‌های کوچک شده، امکان انباشت سرمایه و مهارت را برای یکدیگر به صورت آگاهانه و ناآگاهانه به وجود می‌آورد» (هادی زنور. برمکی. ۱۳۹۰:۹) این مزیت‌ها می‌تواند موجب ایجاد و گسترش نوآوری شود و در نتیجه جوابگوی نیازهای مصرف‌کننده کشورهای صنعتی باشد. توسعه این خوشه‌ها نیازمند افرادی با مهارت‌های و توانمندی لازم می‌باشد که آموزش عالی در این راه با برنامه‌ریزی آموزشی و اصلاحات مناسب برنامه‌ریزی درسی توانسته پاسخ‌گوی این نیازها باشد.

فهرست منابع :

- احمدی، بابک. (۱۳۷۰)، «ساختار و تأویل متن»، جلد دوم، تهران، نشر مرکز.
- الوانی، سید مهدی. هاشمیان، سید محمدحسین. (۱۳۸۷)، «بازخوانی دانش سیاست‌گذاری در زمینه پست مدرنیسم: شکل‌گیری خط مشی در عصر پست مدرن»، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی، سال ۱۴، شماره ۵۶، صص ۹۹-۱۲۲.
- ایوبی اردکان، محمد. معتمدی، مهدیه. (۱۳۹۱)، «بررسی عوامل بازدارنده پیشران در مسیر رشد و توسعه خوشه‌های صنعتی (مطالعه موردی خوشه‌های نساجی یزد)»، بهبود مدیریت، سال ششم، شماره ۳، صص ۲۲۶-۲۰۳.
- برمی پور، علی. بختیار نصرآبادی، حسنعلی. هاشمی، سید حسن. (۱۳۸۹)، «پست مدرن و اصلاحات برنامه درسی رویکردهای نوین آموزشی»، رویکردهای نوین آموزشی دانشکده‌ی علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان، سال پنجم، شماره یک، صص ۳۱-۶۴.
- پاک سرشت، محمدجعفر (مترجم). گوتک، جرالذ آل. (۱۳۸۷)، «مکاتب فلسفی و آراء تربیتی»، انتشارات سمت.
- حسینی نسب، سید محمد ابراهیم. (۱۳۸۹)، «عوامل مؤثر بر ارزش‌افزوده‌ی کارگاه‌های صنعتی ایران با ده نفر کارکن و بیش تر»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۹۲، صص ۴۷-۶۴.
- دل انگیزان، سهراب. (۱۳۸۴)، «خوشه‌های علم و فناوری؛ به سوی یک نظریه عمومی»، رشد فناوری فصلنامه تخصصی پارک‌ها و مراکز رشد، سال دوم، شماره ۵، صص ۱۶-۲۹.
- سالارزهی، حبیب اله. دژکام، جاسم. (۱۳۹۱)، «شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری کسب‌وکارهای خوشه‌های صنعتی شیلات استان سیستان و بلوچستان با استفاده از فرایند تحلیل شبکه‌ای»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات مدیریت صنعتی، سال نهم، شماره ۲۴، صص ۱۳۹-۱۱۵.
- شفیع‌آبادی، عبدالله. (۱۳۹۰)، «دانشگاه کارآفرین و توسعه صنعتی»، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی، سال دوم، شماره پنج، صص ۱۴۷-۱۳۷.
- صالحی عمران، ابراهیم. (۱۳۸۸)، «جامعه کار و مشاغل؛ مروری بر مهارت‌های اشتغال‌زا در بازار کار»، انتشارات سمت.
- صمدی میارکلائی، حمزه. صمدی میارکلائی، حسین. (۱۳۹۲)، «نظریه و الگوهای ارتباط میان دانشگاه‌ها و صنعت در اقتصاد دانش بنیان»، رشد فناوری فصلنامه تخصصی پارک‌ها و مراکز رشد، سال نهم، شماره ۳۵، صص ۷۰-۵۹.
- فرهنگی، علی اکبر. حسنعلی پور، طهمورث. خانلری، امیر. (۱۳۸۷)، «پست مدرنیسم و بازاریابی مصرف‌کننده در هزاره جدید»، نشریه مدیریت بازرگانی، دوره یک، شماره یک، صص ۸۷-۱۰۴.

فراستخواه، مقصود. (۱۳۸۹) «دانشگاه و آموزش عالی؛ منظرهای جهانی و مسئله‌های ایرانی»، نشر نی. محمدپور، احمد. (۱۳۸۸) «ژان فرانسوا لیوتار و پیدایش علوم اجتماعی پست مدرن خاستگاه نظری و مبانی پارادایمیک»، مجله‌ی علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، صص ۸۲-۳۹.

مؤمنی مهمویی، حسین. کرمی، مرتضی. مشهدی، علی. (۱۳۹۱) «بررسی میزان آموزش مهارت‌های اشتغال‌زای موردنیاز بازار کار در برنامه‌های درسی کارشناسی ناپیوسته حسابداری، مهندسی عمران و صنایع غذایی»، روانشناسی تربیتی، سال نهم، دوره‌ی دوم، شماره هفت (پیاپی سیو چهار)، صص ۸۰-۶۵.

مهرعلی‌زاده، یدالله. آرمن، سید عزیز. (۱۳۸۶) «بررسی بازار کار دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی در دانشگاه‌های دولتی ایران»، دو ماهنامه علمی-پژوهشی دانشور رفتار، سال چهاردهم، دوره‌ی جدید، شماره ۲۶، صص ۷۳-۸۶.

نجاریان، پروانه. پاک سرشت، محمدجعفر. صفائی مقدم، مسعود. (۱۳۸۱) «مضامین پست مدرنیسم و دلالت‌های تربیتی آن»، مجله‌ی علوم تربیتی و روانشناسی، دوره‌ی سوم، سال نهم، شماره ۱، صص ۸۹-۱۰۶.

نصری، قدیر. (۱۳۸۵) «پست مدرنیسم و مطالعات راهبردی: الزامات روش‌شناختی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره سی‌ویک، صص؟

نقیسی، عبدالحسین. (۱۳۷۷) آموزش و پرورش ایران ۱۴۰۰ مجموعه پنجم: توصیه‌نامه‌های مجامع بین‌المللی درباره آموزش و پرورش، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.

نوذری، حسین‌علی. (۱۳۷۹) «پست مدرنیته و پست مدرنیسم: تعاریف - نظریه‌ها و کاربردها»، تهران: انتشارات نقش جهان.

وودها، مری. (۱۹۹۲) «توسعه اقتصادی و آموزش عالی»، ترجمه هادی شیرازی بهشتی، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، سال دوم، شماره یک، صص ۱۷۷-۹۲.

هادی زنور، بهروز. برمکی، افشین. (۱۳۹۰) «شناسایی خوشه‌های صنعتی استان تهران»، فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی اقتصادی سابق)، دوره ۸، شماره ۱، صص ۲۲-۱.

عزیزی، نعمت‌الله. (۱۳۸۳) «اشتغال و آموزش عالی» «دایره المعارف آموزش عالی، تهران بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.

Azizi, N. (2000) Educational Policymakers and Employers Expectations on Key Qualification for Changing Labour Market in 21 Century:a Submmited Paper to

BEAA2000: British Educational Research Association Annual Conference 7-9
September Cardiff University UK 2000.

Berger, Arture Asa (1998), *The postmodern presenc: Readings on postmodernism in
America Culture and Society*. Wlanut Greek London New Delhi: Altamira Press.

Gregson, I. (2004), «postmodern literature», London: Arnoid.

Grenz, Stanley, (1996), «A Primer on Postmodernism». Wm.B. Eerdmans Pulishing
Company.

Hutcheon, Linda, (1988), «A Poetics of Postmodernism: History, Theory, Fiction»,
First Edition, London: Rutledge Press.

Liotard, J. (1994), «The postmodern condition: a report on knowledge».

Manchester: Manchester University Press.